

بانوان زائر در راه مشهد

غلامرضا آذری خاکستر
کارشناس و پژوهشگر تاریخ

مسافرت هادر گذشته برای زنان اغلب جنبه زیارتی داشت و شهرهای مذهبی از جمله مشهد، قم، مکه، کربلا و... مقصد آن‌ها برای مسافرت به شمار می‌رفت. در گزارش‌های تاریخی چند مسئله مهم درباره مسافرت زنان مطرح شده است: نخست امنیت راه‌ها و دیگر شرایط خانوادگی و اجازه همسران مهم‌ترین موضوع در سفر زنان محسوب می‌شود. پس از گسترش حمل و نقل با وسایل موتوری مشکلات سفر بانوان هموار شد و پس از آن شاهد مسافرت‌های مختلف بانوان به اقصانقاط جهان هستیم.

گروته، جغرافی دان و قوم‌شناس آلمانی که در دوره قاجار به ایران آمد است، در ارتباط با مشکلات سفر زنان نوشته است. هیچ زنی، چه شوهردار، چه بیوه یا مجرد، حق نداشت به تنهایی سفر کند زیرا غیر از مسئله امنیت، ناچار بود در کاروان، با چارواک‌ها و قهوه‌چی‌ها و مأموران گمرک سروکار داشته باشد. بنابراین حتما باید بایکی از محارم مرد خود سفر می‌کرد.

هم‌چنین کلارا کولپورایس، از زنان جهانگرد انگلیسی، در بخشی از خاطراتش به سفر زنان ایرانی اشاره کرده و نوشته است: هیچ کس را سراغ ندارم که در مسافرت خسته‌تر و ناراحت‌تر از زن ایرانی به نظر آید. از سوار شدن چارپایان و وسایل نقلیه بسیار خسته و کوفته می‌شود. چه اغلب به هیچ وجه به این کار عادت ندارد. زمانی که به یک پست‌خانه یا کاروان سرا می‌رسد باید با حجاب کامل این سووآن سو برود. گویی در شهر مشغول رفت‌وآمد است. اگر با همسر یا پسر سفر می‌کند پیش از آنکه کاری برای خود انجام دهد یا برایش انجام دهند باید صبر کند تا مرد آنچه را نیاز دارد بردارد. در توقفگاه‌ها کمتر زنی به چشم می‌خورد. گاه یکی از آن‌ها را در حالی که تخم مرغ، نان یا دوغ برای فروش به قهوه‌چی می‌آورد، می‌توان دید. ارائه آمار و ارقام کار مشکلی است، اما فکر نمی‌کنم در مسافرتی که در ایران انجام می‌دهید به ازای هر صد مرد که در راه می‌بینید به یک زن برخورد کنید.

هانری رنه دالمانی در کتاب «از خراسان تا بختیاری» به سفر زنان و مشکلات آن‌ها پرداخته و نوشته است: عده زنان زائر هم کمتر از مردان نیست. زنان بر

روی پالان الاغ‌ها نشسته و اغلب بچه‌ای هم در جلو خود نشاندند و کودک شیرخواری هم در بغل دارند و در زیر پای آن‌ها خورجینی است که لوازم سفر در آن جای دارد. خانواده‌های ثروتمند چادر برافراشته بودند تا زنان حرمان از انظار بیگانگان محفوظ باشند.

محتوای اسناد تاریخی نشان می‌دهند برخی از زنانی که با مشقت فراوان خود را به مشهد رسانده‌اند در این شهر اقامت گزیده و در واقع به موطنشان برنمی‌گردند از جمله طبق سندی، یکی از زنان قندهاری در سال ۱۳۱۵ قمری درخواست‌هایی داشته است: مدت پنج شش سال می‌شود که از شدت ظلم و تعدی عبدالرحمن خان ترک وطن و خانه‌و زندگی نموده، پناه به سلطان غریبان آورده، سه سال در عین آسودگی دعاگوی وجود مبارک بوده و بعد از سه سال، شوهر کمینه تصدق شد و سه طفل صغیر از وی باقی می‌باشد. خدایم داند که هر ساعت مرگ خود را از خدا می‌خواهم از شدت پریشانی و عیال داری. به جز رخت شویی چاره ندارم و هر شب اطفال غریبم سر بی‌شام می‌گذارند. استدعا از حضور مبارک آنکه مقرر فرمایید از آستانه مبارک که همه وقت و همه ایام به این پیر ناتوان و اطفال سرگردان برسند.



شهرزاد

دکتر سمانه پورمحمد
پژوهشگر ارتباطات و رسانه

مربی» به عنوان «کتاب کار معلمان و مربیان و زنان جوان» یاد شده است.

خاطرات صدیق زاده به دو دوره پیش از مربی پرورشی شدن و پس از آن تقسیم می‌شود. دوره قبل از مربی شدن شامل خاطرات زندگی شخصی و خانوادگی راوی است. وی در بخش دوم کتاب، خاطرات خود را از فعالیت‌های پرورشی در ۹ مدرسه روایت کرده و به فراز و فرودهای امور تربیتی در مدارس پرداخته است. وی معتقد است: آنچه در امور تربیتی مهم است و باید به کار گرفته شود به کار نگرفتن یک روش تربیتی در دو مدرسه است. هیچ دو مدرسه‌ای نباید از یک روش تربیتی برای دانش‌آموزان استفاده کنند. همان‌گونه که انسان‌ها مثل یکدیگر نیستند، هر مدرسه به طرح، برنامه و روش خود نیاز دارد و مربیان تربیتی باید به آن توجه ویژه داشته باشند.

وی اکنون دیگر بازنشسته شده اما به قول خودش هنوز بازایستاده است. قلبش برای فرزندان این سرزمین می‌تپد. به مدارس مختلف سر می‌زند و برای مربیان تازه در راه، گنجینه‌ای از تجارب و آموزه‌ها دارد. مأموریت اصلی مربی امروز را رساندن دانش‌آموز به مصونیت درونی می‌داند و می‌گوید: الان کنترل بیرونی معنا ندارد. در این نسل جدید فقط باید مصونیت درونی‌اش را قوی بکنیم. او باید از درون خودش بخواند و نخواهد، و بخواند که نرود به سمت خلاف.

سعیده صدیق زاده متولد ۱۳۳۳ در مشهد است که پس از پیروزی انقلاب و راه‌اندازی امور تربیتی در مدارس، در جایگاه مربی پرورشی باری از نهادینه ساختن فرهنگ انقلاب را در میان دانش‌آموزان بر دوش می‌گیرد.

کتاب «خانم مربی» روایتی بسیار خوب از جریان شکل‌گیری هویت دارد. روایت‌های این کتاب برای مادران برای تربیت فرزندان بسیار آموزنده است. خواندن این اثر برای همه مربیان و پژوهشگران تربیتی و زنان واجب است. «خانم مربی» حرف‌هایی جدی در تحول نظام آموزش و پرورش دارد و به بحث تحول و سند تحول که یکی از مسائل جدی نظام آموزشی حال حاضر ماست، به خوبی پرداخته شده است. «خانم مربی» کتاب تحول است و فراز و نشیب‌های تربیتی را که در سیر تحولات رخ می‌دهد به خوبی نشان می‌دهد. همه این کتاب حرفی برای دست‌اندرکاران نظام آموزشی دارند و محور تحول بیشتر حول انسان‌ها در جریان است.

کتاب «خانم مربی» به کوشش مرضیه ذاکری در ۲۷۲ صفحه در قطع رقعی و از سوی انتشارات دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی «راه‌یار» منتشر شده است.

نگاهی به زیست و رفتار «خانم مربی»،
خاطرات شفاهی مربی باسابقه پرورشی
که مسیر تحولات زندگی را به تصویر می‌کشد

فراز و فرودهایی
از تغییر دو نسل!

«خانم مربی» به قلم مرضیه ذاکری مجموعه‌ای از خاطرات شفاهی سعیده صدیق زاده درباره مسائل تربیتی و آموزشی نسل‌های بعد از انقلاب و به دنبال انتقال تجربیات تربیتی است. کتاب «خانم مربی» خاطرات شفاهی و تجربیات سعیده صدیق زاده درباره مسائل تربیتی و آموزشی و سبک زندگی و شیوه تربیتی مادرش است. او در این کتاب به مسائل تربیتی و آموزشی نسل‌های بعد از انقلاب پرداخته و جایگاه تربیت دینی، سبک زندگی خانوادگی صحیح و حفظ ارزش‌های انقلابی را با روایتی شیرین از خاطرات شفاهی مربی باسابقه پرورشی در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ تبیین کرده است. از کتاب «خانم

صباح: خاطرات صباح وطن‌خواه
• تحقیق و تدوین: مرضیه ذاکری